

بررسی حقوقی - قضایی محاکم نسل اول حقوق کیفری بین المللی

نویسندگان

دکتر رضا نیکخواه سرنقی

استادیار و هیات علم گروه حقوق دانشگاه سراسری ارومیه فارغ التحصیل در مقطع دکتری
حقوق بین الملل از دانشگاه استراسبورگ فرانسه

اسکان فامیل مدیران

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

سرشناسه : فامیل مدبران، اشکان، ۱۳۷۳-

عنوان و نام پدیدآور : بررسی حقوقی - قضایی محاکم نسل اول حقوق کیفری بین المللی /

نویسندگان، رضا نیکخواه سرنقی - اشکان فامیل مدبران.

مشخصات نشر : تهران: سایلان، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۲۹۸ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۴۴-۲۳-۰۰ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع : محاکمه جنایتکاران جنگی آلمان، نورمبرگ، آلمان، ۱۹۴۵-۱۹۴۶م.

موضوع : Nuremberg Trial of Major German War Criminals, Nuremberg, Germany, :

۱۹۴۵-۱۹۴۶ Tokyo Trial, Tokyo, Japan, موضوع: :

موضوع : جرایم جنگی (حقوق بین الملل)- دیوان بین المللی کیفری - محاکمه توکیو،

ژاپن، ۱۹۴۶-۱۹۴۸م.

روضوع : International Criminal Court - War crimes (International law):

موضوع : War crime trials -- Japan - Crimes against humanity (International law):

موضوع : محاکمه های جزایی بین المللی - جرایم علیه بشریت (حقوق بین الملل)

موضوع : War crime trials -- Germany - International criminal courts:

موضوع : محاکمه های جنایت های جنگ - آلمان - محاکمه های جنایت های جنگ - ژاپن

شماره کتابشناسی ملی : ۶۹۱۸۶۰

شناسه افزوده : نیکخواه سرنقی - ۱۰۰۱ - رده بندی کنگره: k۵۰۰۱

رده بندی دیویی : ۳۴۵/۰۱

شناسنامه

عنوان: بررسی حقوقی - قضایی محاکم نسل اول حقوق کیفری بین المللی

نویسندگان: دکتر رضا نیکخواه سرنقی - اشکان فامیل مدبران

ویراستار علمی: دکتر سیامک جعفرزاده

انتشارات: سایلان نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد سال چاپ: ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۴۴-۲۳-۰۰

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۳۰	دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسل اول و دوم
۳۸	دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسل اول
۶۷	گفتار اول: دادگاه نورنبرگ
۶۸	بند اول: پیشینه تشکیل دادگاه نورنبرگ
۷۳	بند دوم: استقلال دادگاه نورنبرگ در اعمال صلاحیت
۸۱	بند سوم: مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی در دادگاه نورنبرگ
	بند چهارم: نقش حقوق بین‌المللی در مصونیت سران دولت‌ها از حیث صلاحیت
۹۶	کیفری در دادگاه‌های ملی، دیوان بین‌المللی کیفری و دیگر محاکم کیفری بین‌المللی
۱۴۲	بند پنجم: مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در پرتو رویه قضایی دادگاه نورنبرگ
۱۵۶	- منشأ مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در پرتو حقوق بین‌الملل
۱۵۸	بند ششم: مصونیت سران دولت‌ها در پرتو رویه قضایی دادگاه نورنبرگ
۱۶۶	بند هفتم: تأثیر دادگاه نورنبرگ بر تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی
۱۷۹	بند هشتم: تفاوت‌های میان دادگاه نورنبرگ و دیوان کیفری بین‌المللی
۱۸۲	بند نهم: تفاوت‌های ساختاری و ماهوی دادگاه نورنبرگ با دادگاه توکیو
۱۸۳	بند دهم: بررسی اساسنامه دادگاه نورنبرگ
۲۲۳	بند یازدهم: قواعد دادرسی حاکم نسبت به شهود و ادله ابرازی در دادگاه نورنبرگ
۲۳۰	بند دوازدهم: تخطی دادگاه نورنبرگ از قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین
۲۳۲	بند سیزدهم: انتقادات وارده بر روند دادگاه نورنبرگ و نوآوری‌های آن
۲۴۳	گفتار دوم: دادگاه توکیو
۲۴۳	بند اول: زمینه تشکیل دادگاه توکیو
۲۴۸	بند دوم: استقلال دادگاه توکیو در اعمال صلاحیت
۲۶۰	بند سوم: مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی در دادگاه توکیو

۲۶۴	بند چهارم: مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در دادگاه توکیو
	بند پنجم: تشکیک در جرم محسوب شدن اقدامات صورت گرفته متهمان در خلال جنگ در
۲۶۸	دادگاه توکیو
۲۷۱	بند ششم: چشم پوشی از سایر ناقضین حقوق بین الملل در دادگاه توکیو
۲۷۲	بند هفتم: شباهت‌های دادگاه توکیو با دادگاه نورنبرگ
۲۷۳	بند هشتم: تفاوت‌های دادگاه توکیو با دادگاه نورنبرگ
۲۷۵	بند نهم: دادگاه توکیو دیوان بین المللی کیفری
۲۷۹	بند دهم: بررسی اساسنامه دادگاه نظامی کیفری بین المللی توکیو (IMTFE)
۲۸۶	بند یازدهم: دستاوردها و نتایج تشکیل دادگاه توکیو
۲۸۹	فهرست منابع و مآخذ:

مقدمه

بر اثر وقوع جنگ‌های خونین، محاکم کیفری بین‌المللی به اقتضای شرایط زمانی متفاوت تشکیل شدند. هدف از تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی تعقیب و محاکمه‌ی عاملان جنایات بین‌المللی و در نهایت ایجاد صلح و امنیت و نظم بین‌المللی بود. با بررسی سیر تحولی تاریخی این نکته واضح و مبرهن می‌شود که ایده تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی تقریباً یکصد سال است که وجود داشته و حتی این ایده تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری در پایان جنگ جهانی اول مطرح شده است ولی متأسفانه به دلیل جهت‌گیری‌های سیاسی و نبود ضمانت اجرای بین‌المللی و گاهی وجود اختلاف بین سران دولت‌ها این ایده‌ی جهانی هرگز عمل نگردید. تا هنگامی که جنگی از پی جنگی دیگر پدید آمد و جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست. جهان بار دیگر شاهد جنایاتی در مقیاس و فاجعه‌ای وخیم تر از جنگ جهانی نخست رو به بردید و متعاقب آن جامعه جهانی به این وفاق رسید که برای نخستین مرتبه در فضای بین‌الملل دادگاهی جهانی تشکیل دهد و به دنبال این امر دادگاه جهانی نورنبرگ و دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو به منظور احقاق حق هزاران انسان بی‌گناه لطمه دیده از فاجعه جنگ و جنایات فجیع ناشی از آن شکل گرفت.

مطمئناً تشکیل این دادگاه جهانی گامی بلند به سوی نقشی تعیین کننده در تضمین امنیت بشری برداشت.

پس از فروپاشی شوروی سابق بشریت بر این تصور بود که پس از این بار دیگر صلح و آرامش به دور از جنگ و فجایع ناشی از آن به سر خواهد برد اما جنایات واقعی شده در رواندا و یوگسلاوی سابق و ... به بشریت این واقعیت تلخ را اثبات کرد که جنایات کاران بین‌المللی تاب و تحمل آرامش و صلح بشریت را نخواهند داشت. ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و برای رواندا به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد علی‌رغم صلاحیت محدودشان نشان از پیشرفت‌ی تحسین برانگیز در این زمینه است. جامعه بین‌المللی، پنجاه سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر و پنجاه سال پس از امضاء کنوانسیون بین

المللی منع نسل کشی، سرانجام نهادی دائمی برای خود ایجاد کرد که نه فقط جنایات خطیری که وجدان جهانی را خدشه دار می کند مجازات نماید، بلکه مانع ارتکاب آن ها نیز شود.

ظهور و تشکیل محاکم کیفری بین المللی پی در پی، پدیده جالب عصر جدید است. این امر حاصل اتحاد وفاق نسبی سران ملل عصر حاضر است تا جنایتکارانی که قصد برهم زدن صلح و آرامش جهانی را دارند به سزای عملشان برسند.

پس از جنگ جهانی دوم دادگاه های نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو براساس توافقنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن تأسیس شدند و صراحتاً مسئولیت انفرادی اشخاص در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را مورد شناسایی قرار دادند.

مهم ترین صلاحیت این دادگاه ها که در اساس نامه نورنبرگ و توکیو به آن ها تصریح شده بود، محاکمه و مجازات افرادی بود که به ارتکاب جرایمی در جنگ، متهم شده بودند و رویه دادگاه به این صورت شکل گرفت که به مسئولیت افراد در حقوق بین الملل پافشاری و تأکید می کرد.

به همین منظور، جهت رسیدگی به این جنایات، محاکم کیفری بین المللی گوناگونی تحت عناوین، دادگاه های نسل اول (نورنبرگ و توکیو)، دادگاه های نسل دوم (یوگسلاوی و رواندا)، دادگاه های نسل سوم (دادگاه ویژه سیالئون، دادگاه ویژه لبنان و غیره) و نهایتاً دیوان کیفری بین المللی تحت عنوان دادگاه های نسل چهارم با صلاحیتی عام و دایمی تشکیل و تأسیس شدند. به دلیل نبود ضمانت اجرای دایمی و کارآمد، جنایات بین المللی در عرصه جهانی به کرات و متوالیا به وقوع می پیوندد. لذا مجازات و سزادهی مرتکبان جنایتکارانی که حقوق بشریت را نقض و پایمال می کنند، نقشی تعیین کننده در تضمین و بقای آرامش و صلح پایدار جهانی را ایفا می کند.

مفهوم نسل های دادگاه های بین المللی کیفری، این موضوع را به مخاطب یادآوری می کند که دادگاه ها در سیر تحولات بین المللی در یک مسیر تکاملی قرار گرفته اند.

نسل های اول و دوم و سوم این دادگاه بین المللی، موقت هستند و نسل چهارم که تکامل یافته و جامع نسل های قبل است، دیوان دایمی دادگستری بین المللی است.

دادگاه‌های نسل اول همانند دادگاه‌های توکیو نورنبرگ بر مبنای یک معاهده بین‌المللی تشکیل شده‌اند.^۱

دادگاه‌های نسل دوم همانند دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا که دادگاه‌های اختصاصی ((اد هوک))^۲ نیز نامیده می‌شوند، مبتنی بر قطعنامه شورای امنیت و مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد (که تجویز به به‌کارگیری نیروهای مسلح را برای رفع عامل برهم زنده یا تهدید کننده امنیت بین‌المللی صادر می‌کند)، تشکیل می‌شوند.^۳ غایت اصلی از تشکیل این دادگاه‌ها از جهتی پایان دادن به جنایات جنگی و از جهتی دیگر تعقیب و محاکمه و به مجازات رساندن ناقضان اصلی حقوق بشر و مسولین جنایات و کمک به حفظ و برقراری مجدد صلح و امنیت جهانی اعلام گردیده بود.

۱- نخستین نمونه‌های کیفر بین‌المللی را می‌توان در معاهده ورسای و سور بعد از جنگ جهانی دوم مشاهده کرد. در اساسنامه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو نیز یک نظام ناقص کیفرهای بین‌المللی پیش‌بینی شده بود، که با ایرادهای جدی و کد، دفاع متهمان در برخورد با اصل قانونی بودن کیفرها مواجه شد. در دادرسی‌های دادگاه نورنبرگ و توکیو نیز اعدام به عنوان حد اعلای پاسخ کیفری به بزه به مرحله اجرا درآمد. (به نقل از آقای جنت مکن، حسین، مجموعه مقالات، چاپ اول، ۱۳۹۲، انتشارات جنگل)

۲- اد هوک، به لاتین، به معنی ((برای این منظور)) است و معمولاً با برگزیهایی است که برای حل یک مشکل یا وظیفه خاص بکار برده می‌شوند و برای مقاصد غیرفایت استفاده ندارند.

۳- هنگام مذاکرات مربوط به اساسنامه‌های دادگاه‌های اختصاصی (منظور دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا می‌باشد) با غلبه نظر مخالفان، اعدام از جدول کیفری بین‌المللی حذف گردید و تدوین کنندگان آن‌ها به پیش‌بینی کیفر زندان بسته کردند. رویه قضایی دادگاه‌های اختصاصی جامعه بین‌المللی را رهنمون ساخت تا در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حبس ابد را نیز با دیده تردید بنگرند و آن را محدود و تنها در موارد استثنایی اجازه دهند. رویه قضایی دادگاه‌های مذکور، به تبیین هدف‌های کیفر و اصول حاکم بر آن‌ها کمک کرد و تا کنون توانسته است نمونه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی را در بوته تجربه و آزمایش تجربه کنند. (حسین آقای جنت مکن، مجموعه مقالات، چاپ اول، ۱۳۹۲، انتشارات جنگل)

دادگاه‌های نسل سوم در اواخر دهه ۱۹۹۰ و متعاقباً سال‌های دهه ۲۰۰۰ با کمک قوانین و تجربیات حاکم بر دادگاه‌های نسل اول ((نورنبرگ و توکیو)) و دوم ((دادگاه‌های کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا)) با هدف احیای صلح جهانی و تضمین اجرای مجازات ناقضان حقوق بشر و جنایات جنگی تشکیل گردید.

این دادگاه‌ها در نتیجه صدور قطعنامه شورای امنیت و بر مبنای یک موافقت نامه میان سازمان ملل متحد و یک دولت تشکیل می‌شوند. به این محاکم، محاکم مختلط نیز گفته می‌شود. شعب فوق العاده سنگال، دادگاه ویژه تیمور شرقی، دادگاه خمرهای سرخ (شعب ویژه دادگاه‌های کامبوج)، دادگاه ویژه سیرالئون، لبنان و کوزوو نمونه‌این نسل از محاکم تلقی می‌شوند.

به دلیل می‌توان اذعان کرد که این دادگاه‌ها مختلط است؛ اولین دلیل اینکه این دادگاه ترکیبی از قضات داخلی یا ملی و قضات بین المللی هستند و دلیل دوم به اعتبار قواعد دوگانه و مختلط محاکمه می‌شود؛ اعمالی که تلفیقی از قواعد نظام قضایی داخلی کشور محل وقوع جنایات و مقررات بین المللی حاکم بر دادرسی این محاکم است که هر کدام از آن‌ها به نحوی آثاری مثبت و منفی از خود در رسیدگی‌های این محاکم بر جای گذاشته‌اند. با نگاهی کلی تر حتی می‌توان قوانین یک کشور ثالث را در پیش برد اجرای احکام صادره از دادگاه‌های نسل سوم، ملاک عمل قرار داد که متعاقباً به دو نمونه از توافقات به عمل آمده میان سازمان‌های بین المللی و کشورها اشاره می‌شود:

نخست: توافق اول با کشور محل وقوع جنایت با هدف تعقیب و شیوه محاکمه و ترکیبی از قوانین ملی این کشور و مقررات بین المللی؛

دوم: توافق با کشوری غیر از محل وقوع جنایت، با هدف اجرای احکام حبس که در روند اجرای حکم، قوانین این کشورها حاکم بر نحوه اجرای مجازات زندان و یا تخفیف مجازات و عفو محکومین خواهد بود.

با تأسیس دادگاه‌های مختلط یا به اصطلاح ((دادگاه‌های نسل سوم)) حقوق بین الملل وارد مرحله نوینی از سپر تکاملی خود شده است. نکته حایز اهمیت این است که بحث یگانگی یا دوگانگی حقوق ملی و حقوق بین المللی همواره یکی از بحث برانگیزترین مسایل در نگاشته‌های اندیشمندان عرصه حقوق بین الملل بوده است و اینکه اگر ما به بحث

یگانگی معتقد باشیم، حقوق بین الملل بر حقوق ملی برتری پیدا می‌کند یا خیر یکی از موضوعات اختلافی و مورد بحث اندیشمندان این حوزه می‌باشد. اگر نگاهی به قرون اخیر داشته باشیم متوجه این مطلب می‌شویم که هر چه به قرن بیستم و اواخر این قرن نزدیک می‌شویم، تعداد طرفداران نظریه برتری حقوق بین الملل بر حقوق ملی بیشتر می‌شود. (۱) به طوری که از عرف بین الملل معلوم می‌شود، عملاً دولت‌ها در گذشته بیشتر متمایل به نظریه دوگانگی حقوق بوده‌اند و این به علت تعصبی بود که به حاکمیت و استقلال خود داشتند ولی طی قرن حاضر با محدود شدن خود مختاری دولت‌ها و احساس لزوم همکاری بین المللی، به مرور از اهمیت نظریه دوگانگی حقوق کاسته شده و در مقابل به تدریج بر اهمیت و نفوذ نظریه یگانگی حقوق با برتری حقوق بین الملل در عمل افزوده می‌شود. (۲)

دادگاه‌های بین المللی، نسل سوم با مشارکت و همکاری سازمان ملل متحد و دولتی که در سرزمینش جنایات بین المللی ارتکاب یافته است، تأسیس شده‌اند. مقرر اغلب دادگاه‌های رسیدگی کننده، در سرزمین محل وقوع جنایت بوده و در مواردی حتی دولت ذی ربط موافقت نموده است که معاکله در صورت اقتضا در خارج از سرزمین کشور مزبور - لاهه - برگزار شود. نفس پذیرش مداخله با همکاری ملل متحد در تأسیس این دادگاه‌ها و تعقیب جنایات ارتكابی در داخل سرزمین کنسرسیای ذی ربط، به نوعی پذیرش برتری اصول حقوق بین الملل بر حاکمیت و حقوق ملی می‌باشد. به علاوه با بررسی مفاد توافقنامه‌های فی مابین ملل متحد و دولت ذی ربط و اساسنامه‌های تأسیس دادگاه‌ها، نوعی سیطره و برتری موازین بین المللی بر حقوق ملی مشهود است.

در تشکیل محاکم مختلط سعی شده همچون دیگر نهاد های فساد بین المللی مانند دیوان دادگستری بین المللی یا دادگاه اروپایی حقوق بشر، اصول اساسی رسیدگی به جرایم ارتكابی مانند دادرسی عادلانه و تضمین استقلال و بی طرفی دادگاه، تماماً رعایت شود. این دادگاه‌ها دارای اصول دادرسی مشخص و مدونی بوده و تصمیمات و آرای آن‌ها از ضمانت اجرای داخلی و بین المللی برخوردار است.^۵

۴- ذوالعین، پرویز؛ مبانی حقوق بین الملل عمومی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ

اول، ۱۳۹۶، صص ۵۶۶، ۵۶۷

۵- فضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۳۰

از اهداف تشکیل محاکم مختلط، مجازات مرتکبان ناقض جدی اصول حقوق بین الملل، به ویژه حقوق بشر دوستانه و نیز بازداشت دیگر مرتکبان جنایات بین المللی و در نهایت استقرار مجدد حاکمیت قانون در عرصه جهانی است. این محاکم برخلاف دیوان کیفری بین المللی و همانند دیوان های کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا، نهادهای کیفری موقت محسوب شده و به منظور رسیدگی به جرایم بین المللی و داخلی در یک محدوده جغرافیایی خاص و ملی و طی یک دوره زمانی مشخص تشکیل و شکل می گیرند.^۶

مهم ترین وجوه تفاوت محاکم مختلط از دیگر محاکم بین المللی این است که محاکم نسل سوم در بیشتر موارد یا بعضاً به نظام قضایی کشور مربوط هستند یا به نحوی در چارچوب نظام قضایی داخلی قرار می گیرند. از طرفی دیگر مبنای حقوقی تأسیس آن ها نیز متفاوت است زیرا دیوان های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا به موجب قطعنامه های فصل هفتم منشور ملل متحد و رقیب ارکان فرعی شورای امنیت ایجاد شدند، اما محاکم مختلط بر مبنای موافقت نامه های دوجانبه میان سازمان ملل متحد و دولتی که محل وقوع جنایات است، تشکیل شده اند. قواعد این محاکم، ترکیبی از قواعد حقوق ملی و بین المللی بوده، مشروعیت آن ها نیز از هر دو نظام حقوقی نشأت می گیرد.^۷

قضات، دادستان ها و کارکنان این گونه دستگاه ها نیز از اتباع کشور مربوط و دیگر کشورهای تحت نظر سازمان ملل متحد انتخاب می گردند و به این ترتیب این محاکم از این نظر دارای وجوه داخلی و بین المللی هستند.^۸

در پایان جنگ جهانی اول، دولت های فاتح در جنگ برای انعقاد معاهده ورسای در سال ۱۹۱۹ خواستار محاکمه امپراطور آلمان به اتهام نقض فاحش خلع بین الملل و اعتبار مقدس قراردادها شدند و به این شکل برای نخستین بار رژیم مصونیت ناممل رئیس دولت هم مورد خدشه قرار گرفت. اگرچه هلند از استرداد ویلهلم دوم قیصر آلمان به ادگام خودداری کرد و به او پناهندگی سیاسی اعطا کرد اما این تصمیم منجر به تشکیل دستگاه لایبزیگ در قلمرو

۶- Megret ۲۰۰۳: ۱۸۳-۱۸۹

۷- رنجبریان و ملک الکتاب خیابانی ۱۳۸۹: ص ۱۲۵

۸- ذاکریان و عمادی ۱۳۹۲: ۲۳۹-۲۴۰

آلمان و به ریاست یک قاضی آلمانی شد و به بررسی چند پرونده در مورد جنایات جنگی پرداخت و به صدور احکامی مبادرت ورزیدند.

پس از جنگ جهانی دوم، دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو که بر اساس توافقنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن تأسیس شدند، صریحاً مسئولیت انفرادی اشخاص در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی، و جنایات علیه بشریت را مورد شناسایی قرار دادند.

فصل مشترک حقوقی سه دادگاه مورد اشاره این بود که پس از پایان جنگ و توسط فاتحان برای محاکمه متهمان تشکیل شده و به بازماندگان جنگ تحمیل شده بود. مهم‌ترین صلاحیت این دادگاه‌ها که در اساسنامه نورنبرگ و توکیو آمده و به آن‌ها تصریح شده بود، محاکمه جنایات انفرادی بود که به ارتکاب جرایمی در جنگ، متهم بودند و مسئولیت افراد در عرصه جهانی، حقوق بین‌الملل تأکید می‌ورزید.

علاوه بر موارد فوق، قضانامه ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی صادر شد، ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۴۸ کشتار جمعی، ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۷۳ آپارتاید و مواد ۱ تا ۱۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ شکنجه نیز لغو مصونیت سران دولت‌های قبلی در ارتباط با جنایات بین‌المللی را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

متعاقباً با تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی سابق، رواندا، سیرالیون و دادگاه کیفری انگلستان در مورد پینوشه، رژیم مصونیت دچار تغییر کیفی شد و مصونیت‌های اساسی سران و سایر مقامات رسمی دولت‌های پیشین در ارتکاب جنایات بین‌المللی مورد تردید جدی قرار گرفت.

نکته حایز اهمیت در خصوص دادگاه‌های نسل سوم این است که با توجه به میزان گستردگی و شکل جنایات ارتكابی در کشور لبنان در مقایسه با جنایات رخ داده در پنج کشور دیگر، دادگاه کیفری مختلط لبنان را دارای وضعیتی خاص و شاید به جناباری غیر قابل مقایسه با پنج کشور دیگر قرار داده است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های دادگاه‌های نسل سوم می‌توان به عدم وابستگی این دادگاه‌ها به شورای امنیت اشاره کرد و نیز این دادگاه‌ها بر اساس توافق منعقد شده میان دولت‌های متقاضی و سازمان ملل و یا سازمان منطقه‌ای برای نمونه اتحادیه آفریقایی تأسیس شده و شکل گرفته‌اند.